

## تحلیل دلالت های تربیتی گفت و گو و پرسش گری بر اساس آثار روایی منتخب امام علی(ع)



خدیجه طوفان فرد<sup>۱</sup>، سید حسین واعظی\*<sup>۲</sup>، زهره سعادت‌مند<sup>۳</sup>

### چکیده

پرسش کردن و پرسش داشتن به ویژه از خود، دروازه ورود به جریان تفکر است. کسی که پرسش ندارد و پرسش نمی کند دلیلی هم برای فکر کردن ندارد. بر این اساس تحقیق حاضر به تحلیل دلالت های تربیتی گفت و گو و پرسش گری بر اساس آثار روایی منتخب امام علی(ع) پرداخته است. این مطالعه از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه اجرا با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی انجام شد. حوزه پژوهش شامل کتاب های نهج البلاغه، تحف العقول، میزان الحکمه، غررالحکم در رابطه با مباحث پرسش گری بود که به روش هدفمند نمونه گیری شدند. ابزار گردآوری اطلاعات فیش های محقق ساخته بود. تجزیه و تحلیل داده ها با کدگذاری موضوعی شامل سه مرحله (کد گذاری باز، محوری و گزینشی) و با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی انجام شد. یافته ها نشان داد تحلیل مراحل گفتگو و پرسشگری شامل ۷ بعد: استفاده از جملات مناسب، استقبال از پرسش، فهم جویی(فهمیدن)، گفتگوی طرفین، ابهام زدایی، استنتاج(استدلال)، استفهام(برهان) است و دلالت های تربیتی گفتگو و پرسش گری بر اساس آموزه های امام علی(ع) شامل ۱۰ بعد: زمان طلائی، اندیشیدن و گفتار نیکو، غنیمت شمردن فرصت ها، کسب دانش و معرفت، حل مشکلات، روشنگری، هدایت و اصلاح رفتار، دانش ورزی و پیشرفت است. نکته قابل تأمل این است که نقش سؤال و پرسشگری آنقدر مهم است که می توان انسان را به سرمنزل مقصود برساند و برای شخصی که سؤالی مطرح نیست معرفتی هم وجود ندارد.

**کلمات کلیدی:** امام علی(ع)، تربیت، گفتگو، پرسش گری.

<sup>۱</sup> . دانشجوی دکتری، گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
tofanfardkhadijeh@gmail.com

<sup>۲</sup> . دانشیار، گروه الهیات، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول).  
sh.vaezi@khuisf.ac.ir

<sup>۳</sup> . دانشیار، گروه علوم تربیتی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران  
zo.saadatmand@yahoo.com

## مقدمه

«تربیت<sup>۴</sup>» مفهوم بی پایان و بی کرانه‌ای است که تمامی شئون و ساحت‌های حیات انسانی را در بر می‌گیرد؛ تربیت نه در حصار زمان محدود می‌شود و نه در قلمرو مکان می‌گنجد. فراتر از محیط، وسیع‌تر از عالم و ژرف‌تر از رفتار بیرونی و نهان و سرشت آدمی است. تربیت ریشه در هزاران نسل پیشین انسانی دارد و سایه تأثیر آن بر تمام نسل‌های پسینی نیز ادامه خواهد داشت. فرآیند تربیت، در اقتصاد، مدیریت، سیاست، جنگ، صلح، هنر، ادبیات، تکنولوژی، دانش‌های انسانی، روابط اجتماعی، رشد و تعالی درونی‌ترین ویژگی‌ها، خصلت‌های روحی و روانی انسان‌ها رخ می‌نماید و برآیندهای مستقیم دارد. (هاشمی، ۱۳۸۸) با آنکه اهمیت و نقش انحصاری تربیت در تحقق فرهنگ و تمدن و رشد و تعالی آن دو بر مریبان و اندیشه‌وران بزرگ پوشیده نبوده است، از همین رو، غزالی تربیت را پس از پیامبری، شریف‌ترین کار آدمی خوانده (غزالی، ۱۳۹۰) و کانت آن را بزرگ‌ترین و دشوارترین مسئله آدمی دانسته (شکوهی، ۱۳۹۸) موفقیت تربیت پیش از هر اقدامی و بیش از هر چیزی، مرهون زمینه مناسب است. از این رو، در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت (علیه السلام) به فراهم آوردن زمینه مناسب بسیار توجه شده و با استفاده از روش‌هایی سعی کرده اند زمینه را برای تحقق اهداف تربیت اخلاقی مساعد سازند. (گرامی، ۱۳۹۲) در این میان کمال‌پذیری و تربیت‌پذیری انسان باور به پیشرفت و تربیت‌پذیری و تحول‌پذیری انسان از پیش فرض‌های نظری بحث از شیوه های تربیتی امام علی(ع) است. بیان زیر از امام علی(ع) به خوبی بیانگر اهمیت تربیت و تحول‌پذیری انسان است که لازمه کمال انسانی است: «و بدان! هر کرده ای چون میوه ای است که از گیاهی رسته است و هیچ گیاه را از آب بی نیازی نیست و آبها گونه گون بود. آنچه آبیاریش نیکو، درختش نیکو و میوه اش شیرین است و آنچه آبیاری اش پلید، درختش پلید و میوه اش تلخ است» (دشتی، ۱۳۹۵، خطبه/۱۵۴) با بررسی نهج البلاغه و سیره تربیتی امام(ع) به این نتیجه می‌رسیم که امیرالمومنین علی(ع) در شیوه های تربیتی خویش هر یک از گفتگو و پرسشگری را در جای خود و با رعایت مقتضای حال به کار برده است.

از آنجا که حضرت علی(ع) مرد سخن بود و سخنانش حد وسط کلام مخلوق و خالق بود (مطهری، ۱۳۹۸) با بیان شگفت خود بارها با مردم سخن گفت، در میان سخنانش به شیوه های تربیتی اشاره کرده از آن جمله شیوه گفتگو و شیوه پرسشگری بوده است. گفتگو به لحاظ لغوی در زبان فارسی به معنای «مباحثه، مجادله، مکالمه، گفتار و گفت و شنود... آمده است.» (دهخدا، ۱۳۹۹، ص ۱۶۹۳۱) طبرسی در مورد گفتگو می‌فرماید: «گفتگو یعنی بازگشت به همان محاورت و گفته می‌شود که محاوره به معنای این است که سخن را به او باز گرداند و با هم گفتگو کردند.» (علی اکبری، ۱۳۸۴، ص ۵) گفتگو نشان دهنده نوعی سیلان و جریان معنی میان شماری از افراد است. از رهگذر این جریان معنی، نوعی فهم و درک نو که در آغاز گفتگو وجود نداشته، پدیدار می‌شود (پایا، ۱۳۸۱، ص ۶۶). گفتگو در اصطلاح یعنی هر شکل از نشست یا ارتباط بین اشخاص، گروه‌ها یا جوامع برای رسیدن به فهم بیشتر حقیقت با جهت رفع سوء ظن یا روابط انسانی بیشتر، که در آن احترام متقابل رعایت گردد. گفتگو مستلزم افتتاح و آزاد اندیشی است. زیرا گفتگو با دیگری به معنی هم اندیشی با او و بیرون آمدن از قلمرو تنها اندیشیدن است؛ قلمروی که تنها حاوی مایه های شخصیت فرد و فاقد مایه های شخصیتی کسان دیگری است که چه بسا از لحاظ سرشت و خصوصیات با او همسان نیستند. از این رو هم اندیشی انسانی با دیگری، با صدایی قابل شنیدن را گفتگو می‌نامیم. گفتگو یعنی فرآیند اندیشیدن مشترک که گاه با تبیین و گستراندن اندیشه و گاه به منظور تعمیق و ریشه دار کردن آن است. (فضل الله، ۱۳۷۹، ص ۱۰) روشن است که شنیدن سخنان دیگران و گزینش بهترین آنها، آن گاه امکان پذیر است که زمینه طرح نظرات و اندیشه های گوناگون وجود داشته باشد، و این امر، خود برقراری ارتباط و مفاهمه با دیگران را می‌طلبد. علاوه بر آن اگر آزادی طرح اندیشه های گوناگون وجود نداشته باشد، امکان آن نیست که مردم سخنان

4: education

متفاوت را بشنوند و آنها را با یکدیگر مقایسه کنند و بهترین گفتارها را برگزیده پیروی کنند. اسلام حتی سرسخت ترین دشمنان و سردمداران کفر را به گفت و گو دعوت کرده است. این نکته در سیره معصومان(ع) به روشنی مشهود است. آنان هر کدام به تناسب فضای فرهنگی عصر خود، با تشکیل حلقه های مناظره، با صاحبان عقاید مختلف گفت و گو می کردند و با آنها به بحث و استدلال می پرداختند. (فاضلی، ۱۳۸۵، ص ۵) گفتگو، نوعی مبادله و مباحثه در باب اندیشه ها، و همچنین نوعی مبادله اطلاعات به صورت شفاهی یا نوشتاری بین دو یا بین چند نفر درباره یک موضوع محسوب می شود. آفرینش معنا در پرتو گفتگو حاصل می شود. بدون مکالمه نمی توان انتظار شنیدن و هم رأی داشت. اساساً گفتگو راهی برای فهمیدن است. گفتگو نشان دهنده نوعی جریان معنا، میان شماری از افراد است. از رهگذر این جریان معنا، نوعی فهم و درک نو که در آغاز گفتگو وجود نداشته، پدیدار می شود. (پایا، ۱۳۸۱، ص ۶۶) برای گفتگو تعاریف دیگری نیز در کتب های متعدد بیان شده که با نگاهی اجمالی به آنها می توان فهمید که مهمترین نکته در مسأله گفتگو، درک و احترام متقابل است. لذا باید نگاهی هم به شخص و هم به باورهایش در گفتگو احترام نهاد. شایان ذکر است که در تحقیق حاضر منظور از آداب، مجموع رفتارهایی است که فعل یا ترک آنها از دیدگاه قرآن و روایات موجب میشود تا گفتگو همراه با اخلاق اسلامی صورت گیرد. (کاظمی و بنی نعمة، ۱۳۹۳، ص ۱۳)

با توجه به اهمیت گفتگو آدمی از کودکی آمیخته با حیرت ها و پرسش ها است، چنانکه ساراسون<sup>۵</sup> می گوید: انسان موجودی ذاتاً پرسشگر است. انسانها بر اساس این گرایش ذاتی خود به جستجوگری می پردازند و با وجود همه دشواری ها همواره برای فهم اسرار هستی اصرار دارند و از آن لذت می برند. هرچه پرسش ها دشوارتر باشند به همان اندازه به لذت بیشتری دست می یابند. دانشمندان و فیلسوفان کسانی هستند که بیش از دیگران این میل به پرسش و کنجکاوی معرفتی را در درون خود زنده نگه داشته و آن را پرورش داده اند. برای دانش آموزان، طرح پرسش های خودشان اولین گام به سوی پر کردن شکاف دانشی خود و حل و فصل حیرت و رسیدن به تعادل معرفتی است. پرسش به آنها اجازه میدهد تا درک فعلی خود را از یک موضوع بیان کنند، آن را با ایده های دیگر مرتبط سازند، و همچنین از آنچه انجام می دهند یا نمی دانند آگاه شوند. (چاین و آوزبورن<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸) بر این اساس پرسش و پرسشگری سهم والایی را در تعاملات انسانی به خود اختصاص داده است. (نیازی و گودرزی، ۱۳۹۶) سؤال یا پرسش، عبارتی زبانی با مضمون درخواست اطلاعات است. پرسشگری از جمله مهارت های مؤثری است که راه به پاسخ و یقین می برد و نهادینه کردن این رسم نیکو، به معنای دست گیری مخاطبان برای رسیدن به سر منزل مقصود در جاده تعلیم و تربیت است. پرسش برای رشد، پیشرفت و تحول است. این تحول، متحول شدن ذهن فردی و ذهن اجتماعی است. ما برای این پرسش می کنیم که اوضاع بهتر و گزینه های احتمالی قوی تر و بهتر را کشف کنیم و قرار است به زندگانی، اوضاع و وضعیت سنجیده شده تری برسیم. برخی صاحب نظران، تفکر انتقادی را شامل چهار مولفه می دانند که عبارتند از: پرسشگری، اطلاعات، ارزیابی و نتیجه گیری. آنها پرسشگری را عبارت از پرسیدن سوال مناسب از خود و دیگران برای فهمیدن دقیقتر مطلب یا مسئله مطرح شده می دانند. (گنجی و همکاران، ۱۳۹۲) پرسیدن، یکی از عوامل موفقیت در آموختن است. در زندگی، پرسش های فراوانی برای انسان پیش می آید. هنگام آموختن نیز ممکن است که ابهام هایی برای او به وجود آید و راه برطرف ساختن آنها، پرسیدن است. بدون پرسش، راهی برای دست یافتن به دانش و تبدیل جهل با دانایی، وجود ندارد. امام علی(ع): «سؤال کن آنچه را که باید بدانی و در ندانستنتش معذور نیستی.» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶، ص ۲۸۴) آنچه در مورد پرسش بیان شده بدین قرار است که، چنان چه یک مدرس بخواهد از روش پرسش و پاسخ برای رشد عقلانی دانشجویان خویش استفاده کند در وهله اول باید توجه داشته باشد که سؤال مطرح شده واضح، هدف دار، مختصر و متناسب با ویژگیهای مخاطبان وی باشد. جواب سؤال نیز محدود به

<sup>۵</sup> : Sarason

<sup>۶</sup> : Chin & Osborne

کلمه بله و خیر یا یک جمله کوتاه نباشد. همچنین سؤال در سطحی فراتر از محفوظات دانشجو مطرح شود. بنابراین چنان که ملاحظه میشود طراحی سؤال هنری است که مدرسان برای کسب آن باید آموزش ببینند و تمرین کنند. (دهقان سرخ آبادی و کرامتی، ۱۳۹۶، ص ۴۹) خوب سؤال کردن به اندازه ای اهمیت دارد که به عنوان نصف علم تلقی شده است، چنانچه حضرت علی (علیه السلام) فرمود: «حسن المسأله نصف العلم؛» «خوب سؤال کردن نیمی از دانش است.» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۳۳۱) و نیز فرمود: «من احسن السؤال علم، من علم احسن السؤال؛» «آن کس که خوب بپرسد، دانا می شود و کسی که دانا باشد خوب سؤال می کند.» (محمدی ری شهری، ۱۳۹۳، ج ۴، ص ۳۳۲) در میان سخنان امیرالمومنین در نهج البلاغه به اینکه چرا باید به دنبال سؤال رفت و انگیزه سؤال اشاره و توصیه هایی نمودند: «اینکه ای بندگان خدا به جهالت خود تکیه نکنید، پرسیدن چیزی به قصد فهمیدن باشد، نه جهت آزار دادن دیگری و به چالش کشیدن جلسه...» (دشتی، ۱۳۹۵، خطبه ۱۰۵) بنابراین پرسشگری در جامعه ای شکوفا می شود که یک بستر امن و قابل اعتماد اجتماعی و فرهنگی وجود داشته باشد. آزادی و امنیت دو ویژگی اصلی فرهنگی و اجتماعی است که در بروز و ظهور یا نزول پرسش گری نقش اساسی ایفاء می کند. در جامعه ای که چنین بستر و زمینه ای برای طرح پرسش ها و شک و تردیدها وجود نداشته باشد پرسش از آن جامعه رخت بر می بندد. (کریمی، ۱۳۸۲) پیشوایان دینی ما نیز همواره با سعه صدر و وسعت نظر با پرسشگران رفتار می کردند. بطوری که مردم از طیف ها و گروه های مختلف و حتی مخالف، با آزادی، امنیت و آرامش کامل، پرسش های خود را در موضوعات مختلف ارایه می کردند و جلسه های برای مناظره و پرسش و پاسخ تشکیل می شد. (ابراهیمی و مهرمحمدی، ۱۳۹۳).

با توجه به اهمیت و ضرورت موضوع مساله گفتگو و پرسشگری امروزه از دغدغه های علما و متولیان تربیتی است لذا در این مسیر مراجعه به کتبی که کلام امیرالمومنین علی(ع) در آنها جاری است چون نهج البلاغه، غررالحکم، تحف العقول و... به عنوان یک سند گویا و عالمانه که به این مباحث پرداخته است، ضرورت دارد. بنابراین هدف از پژوهش حاضر تحلیل مراحل گفتگو و پرسش گری در سیره امام علی(ع) و دلالت های تربیتی آن است و با توجه به هدف مشخص شده در پی پاسخ گویی به این سئوالات است:

۲. دلالت های تربیتی گفتگو و پرسشگری بر اساس آموزه های امام علی(ع) چیست؟

۲. مراحل گفتگو و پرسشگری براساس آموزه های امام علی(ع) چیست؟

## روش تحقیق

روش این پژوهش با رویکرد کیفی و با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی و به روش اسنادی و کتابخانه ای به بررسی موضوع پرداخته است. این تحقیق وضع موجود را بررسی می کند و به توصیف منظم و نظام دار وضعیت فعلی می پردازد و ویژگی ها و صفات را مطالعه و در صورت لزوم ارتباط بین متغیرها را بررسی می نماید. تحقیقات توصیفی در بُعد بنیادی به کشف حقایق و واقعیت های جهان خلقت می انجامد (رضوانی، ۱۳۹۲: ۴۳). حوزه پژوهش شامل کتب (نهج البلاغه، تحف العقول، میزان الحکمه و غررالحکم) است که به روش هدفمند نمونه گیری شد. ابزار گردآوری اطلاعات فیش های محقق ساخته بود. در این تحقیق ابتدا داده های مورد نیاز از بررسی کتب استخراج شد. سپس تجزیه و تحلیل داده ها با کدگذاری موضوعی شامل سه مرحله (کدگذاری باز، محوری و گزینشی) و با استفاده از نظام مقوله بندی قیاسی انجام شد. در پژوهش حاضر تلاش شد برای پایایی، تحلیل داده ها بدون سوگیری انجام شود و جهت افزایش اطمینان پذیری در گردآوری اطلاعات به شناسایی منابع مرتبط با موضوع پرداخت.

## یافته ها

عبارات مرتبط با مراحل گفتگو و پرسش گری براساس آموزه های امام علی(ع) به صورت کد گذاری آزاد در جدول(۱) مشخص شده است.

جدول ۱- عبارات مرتبط با مراحل گفتگو و پرسشگری براساس آموزه های امام علی(ع)

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
غررالحکم	«إِيَّاكَ وَ مَا يَسْتَهْجَنُ مِنَ الْكَلَامِ فَإِنَّهُ يَحْبِسُ عَلَيْكَ اللَّغَامَ وَ يُنْفِرُ عَنْكَ الْكِرَامَ»، «از به زبان آوردن سخنان زشت بر حذر باش. زیرا فرومایگان را گرد تو جمع می کند و گرانمایگان را از تو فراری می دهد.» (ح ۴۱۷۴، ص ۲۱۴)	۱. اجتناب از به کار بردن کلمات زشت ۲. جمع شدن فرومایگان با سخنان زشت ۳. فرار گرانمایگان با سخنان زشت
غررالحکم	البلاغه ما سهل علی المنطق و خفّ علی الفطنه. سخن رسا آن است که بآسانی بر زبان آید و بسادگی فهمیده شود. (ص ۱۱۱)	۴. آسان گویی ۵. رسایی کلام ۶. سخن گفتن در حد فهم شنونده
غررالحکم	«أحسن الكلام ما لاتمجه الاذان و لايتعب فهمه الأفهام، زیباترین سخن آن است که برای گوش ها ناخوشایند و دریافت آن برای فهم (مردم) رنج آور نباشد. (ص ۹۹۵)	۷. خوشایند بودن سخن برای گوشها ۸. دریافت سخن مناسب فهم مردم
غررالحکم	کثره الكلام تبسط حواشيه و تنقص معانيه فلايري له أمد و لاينتفع به أحد» پُرْغُوبِي، سخن را درازدامن و تُنْكَ مایه می کند به گونه ای که هیچ پایانی برای آن دیده نمی شود و هیچ کسی از آن بهره مند نمی گردد.» (ص ۱۳۶۲)	۹. پرهیز از پرگویی ۱۰. توضیح کافی درباره موضوع
غررالحکم	خير الكلام ما لايملّ و لايقلّ؛ «بهترین سخن آن است که هم خسته کننده نباشد و هم اندک نباشد.» (ص ۹۹۵)	۱۱. خسته کننده نبودن سخن ۱۲. سخن اندک
غررالحکم	احسن القول السداد. بهترین سخن، سخن استوار و محکم است.» (ص ۲۸۶۵)	۱۳. سخن استوار و محکم
میزان الحکمه	أحسن الكلام ما زانه حسن النظام و فهمه الخاصّ و العام. بهترین گفتار آن است که به حسن تربیت و نظم آراسته باشد و عالم و عامی آن را بفهمد. (۸۰)	۱۴. آراسته بودن گفتار به تربیت و نظم ۱۵. فهم سخن برای عالم و عامی
میزان الحکمه	الإمام علی (عليه السلام): من أحسن السؤال علم، من علم أحسن السؤال. ۸۲۴۱. هر که خوب سؤال کند، دانا شود؛ هر که دانا باشد، خوب سؤال کند	۱۶. خوب سؤال کردن ۱۷. دانا شدن با پرسیدن ۱۸. خوب پرسیدن دانا
الاحتجاج	الاحتجاج، ج ۱، ص: ۶۰۰ گاهی رسول خدا(ص) به دو طریق سخن می فرمود:	۱۹. عدم توجیه بدون شناخت ۲۰. دنبال فهمیدن بودن

<p>۲۱. پرسیدن توسط دیگران                  ۲۲. پرسیدن توسط یک شخص                  ۲۳. پرسیدن و حفظ کردن                  جواب</p>	<p>سخنی عام و سخنی خاص گاهی فردی آن را می شنید که هیچ شناختی از آنچه منظور خدا و پیامبر بود نداشت و آن را حمل نموده و بدون معرفت و معنی و قصد آن و اینکه دلیل آن سخن چه بوده همه و همه را توجیه می کرد و تمام اصحاب رسول خدا(ص) از آن حضرت نمی پرسیدند و فهم جویی نمی کردند و دوست داشتند که فردی بیابانی و رهگذر بیاید و از پیغمبر بپرسد تا آنان بشنوند و تنها من بودم که تمام مطالب را پرسیده و حفظ می داشتم و این وجوه اختلاف مردمان و علت خلاف در روایات و تفسیر ایشان است.</p>
<p>۲۴. فهمیدن قبل از نكوهش                  ۲۵. سؤال در زمینه موضوع گفتگو                  ۲۶. سوال در مورد نكوهش دنیا</p>	<p>تحف العقول                  وصف دنیا برای تقوا پیشگان توسط امیر المؤمنین علی علیه السلام، جابر بن عبدالله انصاری گوید: ما در بصره همراه امیرالمومنین(ع) بودیم. چون از نبرد مخالفان خود آسوده شد در اواخر شب به ما سرکشی کرد و فرمود: در چه موردی گفتگو می کنید؟ عرض کردیم: در نكوهش دنیا. حضرت فرمود: چه چیز دنیا را مورد نكوهش قرار داده اید؟</p>
<p>۲۷. منظور را روشن کردن                  ۲۸. اشاره به قضا و قدر</p>	<p>الاحتجاج                  در پاسخ به سوال در خصوص قضا و قدر حضرت فرمودند: شاید منظور تو اشاره به قضای حتمی و قدر قطعی و لازم است؟! (ج ۱، ص: ۴۵۲)</p>
<p>۲۹. روشن ساختن دلایل                  ۳۰. دنیا سرای راستی                  ۳۱. دنیا خانه عافیت                  ۳۲. دنیا سرای توانگری                  ۳۳. دنیا سجده گاه پیامبران خدا                  ۳۴. دنیا فرودگاه وحی خدا</p>	<p>تحف العقول                  چرا گروهی از مردم به نكوهش دنیا می پردازند؟ و با زهد نمایی خود را بی رغبت به آن نشان می دهند؟ دنیا برای کسی که آن را راستگو انگارد، سرای راستی است و برای کسی که حقیقت آن را دریابد، خانه عافیت است و برای کسی که از آن توشه اندوخت، سرای توانگری است. دنیا سجده گاه پیامبران خدا و فرودگاه وحی خدا و ..</p>
<p>۳۵. نتیجه گیری از پرسش ها                  ۳۶. طلب شاهد</p>	<p>الاحتجاج                  حضرت امیر(ع) فرمود: ای ابوبکر، آیا درباره ما خلاف دستور خداوند درباره مسلمانان حکم می کنی؟ گفت نه؟ فرمود: اگر دست یکی از مسلمانان چیزی باشد و من ادعا کنم که مالک آن هستم، تو از کدامیک از ما درخواست شهود می نمایی؟ .. پس چرا از فاطمه طلب شاهد می کنی... حال آنکه از دیگران طلب شاهد نمی کنی؟ .. ابوبکر مجاب شد... (ج ۱، ص: ۲۱۶)</p>
<p>۳۷. نتیجه گیری با پرسش                  ۳۸. اشاره به غدیر خم</p>	<p>الاحتجاج                  در رد حدیث جعلی که خداوند منع می کند از اینکه نبوت را با خلافت را در ما اهل بیت جمع نماید و بطلان شهادت آنان که خلافت را غصب کردند به گفتار پیامبر(ص) در غدیر خم اشاره کردند که: «هر که من از خودش به او برترم علی نیز از نفس او به خودش برتر است» و فرمودند: پس چگونه می شود کسانی که من از</p>

ایشان برترم بر من امیر و حاکم باشند؟.. (ج ۱، ص ۳۱۳-۳۱۴)

۳۹. پرسش برای کسب جواب	الاحتجاج	در پاسخ به حسن بصری بعد از جنگ که پرسید دیروز افرادی را کشتی که همگی شهادت به توحید و رسالت داده و نمازهای پنجگانه اقامه می کردند... حضرت فرمودند اگر اینگونه بود و تو شاهد آن بودی چرا به یاری دشمنان ما نشتافتی؟ و حسن گفت به خدا که راست گفתי و ..
۴۰. تفهیم با پرسش ۴۱. پرسش و پاسخ	الاحتجاج	یادآوری به زبیر در جریان جنگ جمل ای زبیر تو را به خدا قسم می دهم مگر تو خود نشنیدی که رسول خدا(ص) فرموده که: تو با علی جنگ خواهی کرد در حالی که نسبت به او ظالم و ستمکاری؟ گفت: آری... امام فرمود: پس چرا در این معرکه حاضر شدی؟ گفت: برای اصلاح مردم... و زبیر از جنگ بازگشت. (ج ۱، ص ۳۴۶)
۴۲. پرسش برای فهماندن ۴۳. شکستن بیعت و پیمان	الاحتجاج	ای جماعت مهاجرین و انصار و کسانی که سخن من را می شنوید! آیا شما پیروی مرا بر خود واجب نساختید؟ آیا از روی میل و رغبت با من بیعت نکردید؟.. پس چرا.. اکنون بیعت مرا می شکنند و پایداری در بیعت خود نمی کنند؟ (ج ۱، ص: ۳۷۴)
۴۴. تأکید بر فهم	الاحتجاج	پس وای بر شما باد! بر که دروغ می گوئیم؟ آیا بر خدا؟! در حالی که... (ج ۱، ص ۳۸۰)
۴۵. برهان با تفهیم و به یادآوری ۴۶. نزدیکی به رسول خدا	الاحتجاج	عدم بیعت حضرت علی(ع): فرمود: ... مگر شما در مقابل انصار به قرابت پیامبر تمسک نکرده و از همین راه اولویت خودتان را نسبت به انصار ثابت نکرده اید و آنان را مجاب نساختید و آنان نیز تسلیم شده و امر خلافت را امر مشروع شما دانستند و غاصبانه آن را از ما ستانید؟ پس من نیز با همان برهان با شما سخن گفته و احتجاج می کنم که من نسبت به رسول خدا در حال حیات و ممات از شماها مقرب تر و نزدیکترم. (ج ۱، ص ۱۶۵)
۴۷. پرسش برای فهماندن ۴۸. شایستگی برای خلافت ۴۹. آوردن دلیل و پاسخ به سئوالات	الاحتجاج	احتجاج امیر المومنین(ع) در برابر اظهار انبساط ابوبکر از بیعت مردم امیر المومنین(ع) پرسید یک فرد روی چه شرایط و علل و جهاتی شایسته امر خلافت می شود؟... آیا در وجود خود این خصایص را می بینی یا من..؟ من از سوی پیامبر مامور خواندن سوره براهه برای کفار شدم یاتو؟ آیا من هنگام خروج پیامبر از مدینه به مکه جان فدای پیامبر شدم یا تو؟.. [بعد امام تمام احتجاجات را بر شمردند و ابوبکر تصدیق می کرد که البته شما... ] (ج ۱، ص ۲۶۱-۲۷۱)

<p>۵۰. پرسش برای تأکید و تصدیق</p>	<p>الاحتجاج احتجاج امیرالمومنین(ع) پس از فوت عمر بن خطاب بر شورا بر اولویت خود فرمود: آیا در میان شما جز من کسی هست که بر دو قبله نماز گزارده باشد؟ گفتند نه.. .. آیا جز من کسی... (ج ۱، ص ۲۷۸-۲۹۹)</p>
<p>۵۱. سوالات تصدیقی ۵۲. ایمان به خدا و رسول خدا</p>	<p>الاحتجاج احتجاج حضرت امیرالمومنین(ع) بر گروه زیادی از مهاجر و انصار با کلامی شیوا پیرامون فضیلت خود به استناد به احادیث نبوی. ... آیا تصدیق می کنید من نخستین کسی هستم که به خدا و رسول او ایمان آوردم؟ گفتند: همینطور است.. .. آیا (ج ۱، ص ۳۰۰-۳۱۲)</p>
<p>۵۳. گفتگوی طرفین ۵۴. استدلال منطقی ۵۵. بحث و گفتگوی با یاران</p>	<p>نهج البلاغه و من وصیة له (علیه السلام) لعبدالله بن العباس لما بعثه للاحتجاج علی الخوارج: لَا تُخَاصِمُهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ دُوٌّ وَجُوهٌ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ... وَ لَكِنْ حَاجِبُهُم بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا. نامه به عبدالله بن عباس آن هنگام که او را در سال ۳۸ هجری برای گفتگو با خوارج فرستاد. به قرآن با خوارج به جدل پرداز، زیرا قرآن دارای دیدگاه کلی بوده، و تفسیرهای گوناگونی دارد، تو چیزی می گویی، و آنها چیز دیگر، لیکن با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنان به بحث و گفتگو پرداز، که در برابر آن راهی جز پذیرش ندارند.» (نامه ۷۷)</p>
<p>۵۶. برخورد مناسب با امور پیچیده اجتماعی ۵۷. استفاده از نظرات و افکار دیگران ۵۸. گفتگو و مشورت</p>	<p>نهج البلاغه أَلَسْتَ شَارِعًا عَيْنَ الْهُدَايَةِ، وَ قَلَادَ خَاطِرٍ مَنِ اسْتَعْنَى بِرَأْيِهِ. مشورت و نظرخواهی از دیگران، عین هدایت است و کسی که تنها به فکر خود اعتماد نماید، خویشتن را به خطر انداخته است.» (حکمت ۲۱)</p>
<p>۵۹. استقبال نظرات ۶۰. مقایسه نظرات ۶۱. تشخیص راه صحیح ۶۲. شناسایی خطاها و پرهیز از آنها</p>	<p>نهج البلاغه مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجُوهَ الْأَرْءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَايَا. کسی که از آرای مختلف استقبال کند (و نظرات متفاوت را بررسی نماید) موارد خطا را خواهد شناخت. (حکمت ۱۷۳)</p>
<p>۶۳. گفتگو با دانشمندان ۶۴. در میان گذاشتن سخنان با حکیمان ۶۵. برقرار شدن نظم</p>	<p>نهج البلاغه وَ أَكْثَرُ مَدَارِسَةِ الْعُلَمَاءِ وَ مَنَاقَشَةِ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيَتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِلَادِكَ وَ إِقَامِهِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ. و با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه، در آنچه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده اند برقرار. (نامه ۵۳)</p>
<p>۶۶. استقبال از پرسش</p>	<p>نهج البلاغه روزی از مساله خلافت نزد حضرت پرسش کردم، ایشان نیز در جواب با استقبال ازین پرسش ضمنی به تفصیل به نقد عملکرد خلفا پرداخت. (خطبه ۳)</p>



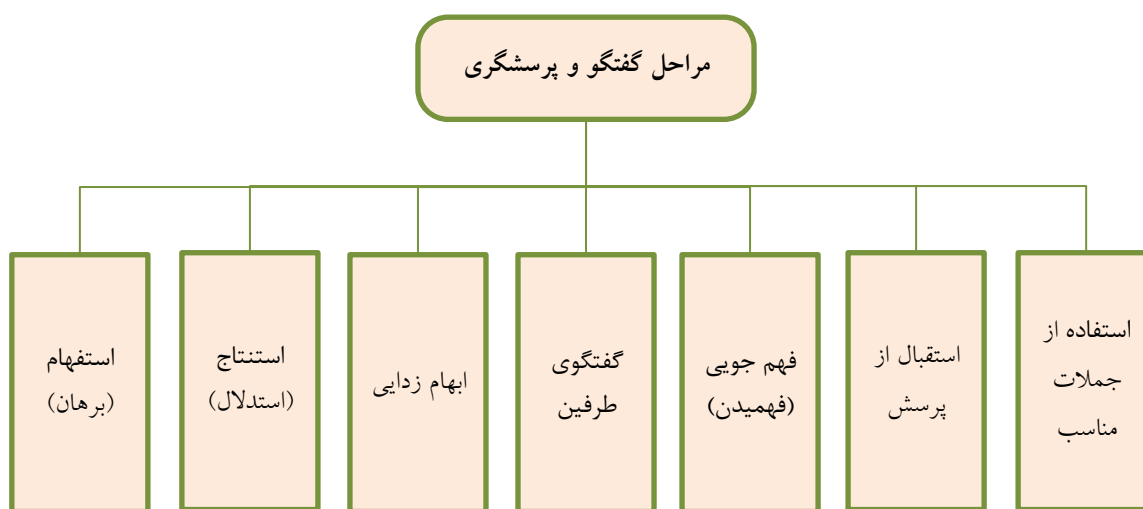
در ادامه مفاهیم هم دسته شده در یک مقوله واحد قرار می گیرند:

جدول ۲- طبقه بندی کدواژه ها و مفهوم سازی (مفاهیم هم دسته شده) مراحل گفتگو و پرسشگری بر اساس آموزه های امام علی(ع)

کد مفاهیم جایگزین شده	کد مفاهیم هم دسته (مقوله بدست آمده)
استفاده از جملات مناسب	۴. آسان گویی ۵. رسایی کلام ۱۶. خوب سؤال کردن ۱۸. خوب پرسیدن دانا
استقبال از پرسش	۱۷. دانا شدن با پرسیدن ۵۷. استفاده از نظرات و افکار دیگران ۵۹. استقبال نظرات ۶۶. استقبال از پرسش
فهم جویی(فهمیدن)	۲. جمع شدن فرومایگان با سخنان زشت ۶. سخن گفتن در حد فهم شنونده ۸. دریافت سخن مناسب فهم مردم ۱۰. توضیح کافی درباره موضوع ۱۵. فهم سخن برای عالم و عامی ۲۰. دنبال فهمیدن بودن ۲۴. فهمیدن قبل از نکوهش ۲۶. سوال در مورد نکوهش دنیا ۴۱. پرسش و پاسخ
گفتگوی طرفین	۵۳. گفتگوی طرفین ۵۵. بحث و گفتگوی با یاران ۵۸. گفتگو و مشورت ۶۳. گفتگو با دانشمندان ۶۴. در میان گذاشتن سخنان با حکیمان
ابهام زدایی	۲۷. منظور را روشن کردن ۲۹. روشن ساختن دلایل
استنتاج (استدلال)	۲۰. دنبال فهمیدن بودن ۲۳. پرسیدن و حفظ کردن جواب ۳۵. نتیجه گیری از پرسش ها ۳۷. نتیجه گیری با پرسش ۳۹. پرسش برای کسب جواب ۴۹. آوردن دلیل و پاسخ به سئوالات ۵۴. استدلال منطقی
استفهام (برهان)	۳۷. منظور را روشن کردن ۴۰. تفهیم با پرسش ۴۲. پرسش برای فهماندن

۴۵. برهان با تفهیم و به یادآوری
۴۶. نزدیکی به رسول خدا
۴۷. پرسش برای فهماندن
۵۰. پرسش برای تأکید و تصدیق
۵۱. سوالات تصدیقی
۶۲. شناسایی خطاها و پرهیز از آنها

نتایج حاصل از تحلیل مراحل گفتگو و پرسش گری شامل ۷ بعد: استفاده از جملات مناسب، استقبال از پرسش، فهم جویی(فهمیدن)، گفتگوی طرفین، ابهام زدایی، استنتاج (استدلال)، استفهام (برهان) است و فهم جویی و استفهام (برهان) بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است.



شکل ۱- نمودار مراحل گفتگو و پرسشگری در آموزه های امام علی(ع)

دلالت های تربیتی گفتگو و پرسش گری بر اساس آموزه های امام علی(ع) چیست؟

جدول ۳- دلالت های تربیتی گفتگو و پرسشگری بر اساس آموزه های امام علی(ع)

منبع	عبارات استخراج شده	کد مفاهیم استخراج شده
تحف العقول	هر که از آرای گوناگون استتقبال نماید، مواضع خطا را بشناسد.	۶۷. استقبال از نظرات گوناگون ۶۸. شناخت خطاها
تحف العقول	هر که خود را به آموختن وادار ننماید نادان ماند	۶۹. لزوم آموختن ۷۰. رهایی از نادانی
الاحتجاج	احتجاج امیر المومنین(ع) در برابر اظهار انبساط ابوبکر از بیعت مردم امیر المومنین(ع) پرسید یک فرد روی چه شرایط و علل و جهاتی شایسته امر خلافت می شود؟... آیا در وجود خود این خصایص را می بینی یا من..؟ من از سوی پیامبر مامور خواندن سوره براهه برای کفار شدم	۷۱. آگاه ساختن ۷۲. روشن نمودن ۷۳. انتخاب شدن

	<p>یاتو؟ آیا من هنگام خروج پیامبر از مدینه به مکه جان فدای پیامبر شدم یا تو؟.. .. [بعد امام تمام احتجاجات را بر شمردند و ابوبکر تصدیق می کرد که البته شما... [ (ص، ۲۶۱ - ۲۷۱)</p>	
<p>۷۴. سود نبرد از دانسته ها ۷۵. داشتن زمانه مطلوب ۷۶. ندانستن و نپرسیدن</p>	<p>«یا ایها الناس انا قد اصبحتنا فی دهر عنود و زمن کنود یعدّ فیہ المحسن مسیئاً و یزداد الظالم فیہ عتوّاً لا تنتفع بما علمنا ولا نسائل عمّا جهلنا» مردم! ما در روزگاری به سر می بریم ستیزنده و ستمکار و زمانه ای ناسپاس، نیکوکار در آن بدکار به شمار می آید و ستمکار در آن سرکشی می افزاید از آنچه دانستیم سود نمی بریم و آنچه را نمی دانیم نمی پرسیم. (خطبه ۳۲)</p>	<p>نهج البلاغه</p>
<p>۷۷. گفتگو و مباحثه با دانشمندان و حکیمان مایه آبادانی ۷۸. برقراری نظم و قانون</p>	<p>گفتگو و مباحثه با دانشمندان و حکیمان که مایه آبادانی و اصلاح شهرها و برقراری نظم و قانون خواهد بود؛ (نامه ۵۳)</p>	<p>نهج البلاغه</p>
<p>۷۹. دانایی پس از پرسش درست</p>	<p>الإمام علی (علیه السلام): من أحسن السؤال علم، من علم أحسن السؤال. هر که خوب سؤال کند، دانا شود. (۸۲۴۱)</p>	<p>میزان الحکمه</p>
<p>۸۰. پرسش برای دانایی</p>	<p>برای دانا شدن بپرس</p>	<p>میزان الحکمه</p>
<p>۸۱. سوال کردن برای دانستن</p>	<p>سؤال کن آنچه را که باید بدانی</p>	<p>میزان الحکمه</p>
<p>۸۲. سخن درست حکما و دانشمندان ۸۳. داروی مشکلات سخن درست</p>	<p>قال علیه السلام: إِنْ كَلَّمَ الْحُكَمَاءَ إِذَا كَانَ صَوَاباً كَانَ دَوَاءً، وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً. سخن حکما و دانشمندان اگر درست باشد، داروی (شفا بخش) است. (حکمت ۲۶۵)</p>	<p>نهج البلاغه</p>
<p>۸۴. زمانه ای ناسپاس ۸۵. عدم سود بردن از دانسته ها ۸۶. ندانستن و نپرسیدن ۸۷. پیشرفت و شناخت</p>	<p>مردم! ما در روزگاری به سر می بریم ستیزنده و ستمکار، و زمانه ای ناسپاس. نیکوکار در آن بدکار به شمار می آید و ستمکار در آن سرکشی می افزاید. از آنچه دانستیم سود نمی بریم و آنچه را نمی دانیم، نمی پرسیم. (خطبه ۳۳)</p>	<p>نهج البلاغه</p>
<p>۸۸. زبان رابط بین تو و مردم ۸۹. چهره رابط بین تو و مردم</p>	<p>امام علی علیه السلام: لَا يَكُنْ لَكَ إِلَى النَّاسِ سَفِيرٌ إِلَّا لِسَانَكَ وَ لِوَجْهِكَ امام علی علیه السلام: میان تو و مردم رابطی جز زبانت و پرده ای جز چهره ات نباشد. (نامه ۶۷)</p>	<p>نهج البلاغه</p>
<p>۹۰. دوری از راه راست ۹۱. خودپسندی راه بسته شدن باب گفتگو و مذاکره</p>	<p>واعلم أنّ الإعجاب ضد الصواب و آفة الألباب؛ و بدان که خودپسندی آدمی را از راه راست بگرداند و خردها را زیان میرساند « (نامه ۳۱)</p>	<p>نهج البلاغه</p>
<p>۹۲. پرسش به موقع ۹۳. از دست دادن فرصتها</p>	<p>سلونی قبل ان تفقدونی از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید. (خطبه، ۱۸۹)</p>	<p>نهج البلاغه</p>
<p>۹۴. پرسش برای یادگیری ۹۵. عدم پرسش برای آزار دادن</p>	<p>لسائل سألَهُ عن مُعْضَلَةٍ: سَلْ تَفَقَّهًا، وَلَا تَسْأَلْ تَعَنَّتًا؛ فَإِنَّ الْجَاهِلَ الْمُتَعَلِّمَ شَبِيهٌ بِالْعَالِمِ، وَإِنَّ الْعَالِمَ الْمُتَعَسِّفَ</p>	<p>نهج البلاغه</p>

۹۶. انصاف در سوال کردن	(الْمُتَعَنِّفَ) شَبِيهَ بِالْجَاهِلِ الْمُتَعَنِّفِ. امام علی علیه السلام در پاسخ به مردی که از آن حضرت سؤالی مشکل آفرین پرسید: به قصد یاد گرفتن بپرس، نه برای آزردن و خطا گرفتن؛ زیرا جاهلی که درصدد آموختن باشد همانند عالم است و عالمی که در بیراهه قدم نهد همچون جاهلی است که به قصد خطا گرفتن می پرسد.	
۹۷. روش صحیح پرسیدن	(حکمت ۳۲۰)	
۹۸. اندیشه قبل از سخن	إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ وَإِنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ، لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبَدَاهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَاوَاهُ وَإِنَّ الْمُنَافِقَ يَتَكَلَّمُ بِمَا أَتَى عَلَى لِسَانِهِ لَا يَدْرِي مَاذَا لَهُ وَمَاذَا عَلَيْهِ؛	نهج البلاغه
۹۹. ابراز سخن نیکو	زبان مؤمن، در پشت دل اوست و دل منافق، در پشت زبان او، زیرا مؤمن هرگاه بخواهد سخنی بگوید، ابتدا درباره آن می اندیشد، اگر خوب بود اظهارش می کند و اگر بد بود آن را پنهان می دارد. اما منافق هر چه به زبانش آید می گوید، بی آن که بداند چه سخنی به سود او و چه سخنی به زیان اوست. (خطبه ۱۷۶)	
۱۰۰. پنهان کردن سخن بد	لَا تَتَكَلَّمَنَّ إِذَا لَمْ تَجِدْ لِلْكَلامِ مَوْقِعًا.	غررالحکم
۱۰۱. گفتن هرچه بر زبان آید	وقتی برای گفتار، زمان مناسبی نمی بینی سخن مگو.	
توسط شخص دورو و منافق	(ح ۱۰۲۷۴)	
۱۰۲. عدم اندیشه در مورد سخن	بر دل ها قفلی زده شده است. کلیدش پرسش است (ج ۱، ص ۳۷۴)	غررالحکم
۱۰۳. سخن گفتن در زمان مناسب	بپرس تا بدانی	غررالحکم
۱۰۴. پرسش کلید قفل دلها	(ج ۲، ص ۲۶۸)	
۱۰۵. روشنگری و آگاهی	أَلَا لَا يَسْتَحْيِينَّ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ فَإِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ؛	غررالحکم
۱۰۶. پرسش و دانایی	آگاه باشید که آن که نمی داند، نباید از آموختن شرم کند؛ زیرا ارزش هر کس به چیزی است که می داند.	
۱۰۷. دانش ورزی	(۲۷۸۷)	
۱۰۸. آموختن به وقت ندانستن	أَلَا لَا يَسْتَقْبِحَنَّ مَنْ سَأَلَ عَمَّا لَا يَعْلَمُ أَنْ يَقُولَ لَا أَعْلَمُ؛	غررالحکم
۱۰۹. داشتن ارزش با دانستن	بدانید کسی که از او پرسشی می کنند که پاسخ آن را نمی داند، نباید «نمی دانم» گفتن را زشت بشمارد.	
۱۱۰. پرسش از دیگران	(۲۷۸۷)	
۱۱۱. نمی دانم کلمه ای در جواب پرسش	مَنْ سَأَلَ فِي صَغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ؛	غررالحکم
۱۱۲. سوال کردن در خردسالی	هر کس در خردسالی سئوال کند، در بزرگ سالی اش پاسخ می دهد. (ح ۸۲۷۳)	
۱۱۳. پاسخ در بزرگسالی	خَيْرُ الْكَلَامِ مَا لَا يُمَلُّ وَلَا يُقِلُّ؛	غررالحکم
۱۱۴. سوال در سن مناسب	بهترین گفتار آن است که نه ملال آور باشد و نه نارسا	
۱۱۵. عدم گفتار ملال آور	(ح ۴۹۶۹)	
۱۱۶. عدم گفتار نارسا	أَفَةُ الْكَلَامِ الْإِطَالَةُ؛	غررالحکم
۱۱۷. گفتار شیرین		
۱۱۸. سخن طولانی آفت زبان		

آفت سخن، طولانی کردن آن است. (ح ۳۹۶۶)	۱۱۹. سخن مختصر و مفید	غررالْحکْم	أَجْمَلُوا فِي الْخِطَابِ تَسْمَعُوا جَمِيلَ الْجَوَابِ؛ با مردم زیبا سخن بگویید تا پاسخ زیبا بشنوید (ح ۲۵۶۸)	۱۲۰. زیبا سخن گفتن با مردم ۱۲۱. پاسخ زیبا شنیدن
أَنْظُرْ إِلَى مَا قَالَ وَ لَا تَنْتَظِرْ إِلَى مَنْ قَالَ؛ به گفته بنگر نه به گوینده آن. (ح ۵۰۴۸)	۱۲۲. اهمیت گفتار ۱۲۳. توجه به گفتار نه گوینده	غررالْحکْم	وَقْتِي مِي پَرَسِي، مَفْقَهَانَه بَپَرَس، نَه مَتَعْنَتَانَه. بَرَايِ فَهْمِيدِن بَپَرَس، نَه بَرَايِ آزَار وَ اِيذَاء. (۴۱۴۷)	۱۲۴. پرسیدن برای فهمیدن ۱۲۵. کسب معرفت
طُوبَى لِمَنْ شَغَلَ قَلْبَهُ بِالْفِكْرِ وَ لِسَانَهُ بِالذِّكْرِ خوشا به کسی که دل خود را به فکر، و زبان خود را به ذکر مشغول داشته است. (ج ۱، ص ۷۲)	۱۲۶. مشغول کردن دل با فکر ۱۲۷. مشغول کردن زبان با گفتن ذکر	غررالْحکْم	مِيْزَانِ الْحَكْمَةِ الْقُلُوبِ أَقْفَالُ مَفَاتِحِهَا امام علی علیه السلام: دلها، قفلهایی هستند که کلیدهای آنها پرسیدن است. (۸۲۳۷)	۱۲۸. پرسش کلید مشکلات ۱۲۹. پرسش کلید قفل دلها
امام علی علیه السلام: أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَ فُهِمَهُ الْخَاصُّ وَ الْعَامُّ امام علی علیه السلام: بهترین گفتار آن است که ترتیب نیک، بدان آراستگی ببخشد و خاص و عام آن را بفهمند (ح ۳۳۰۴).	۱۳۰. گفتار نیک ۱۳۱. گفتار آراسته ۱۳۲. فهم گفتار توسط عام و خاص	غررالْحکْم		

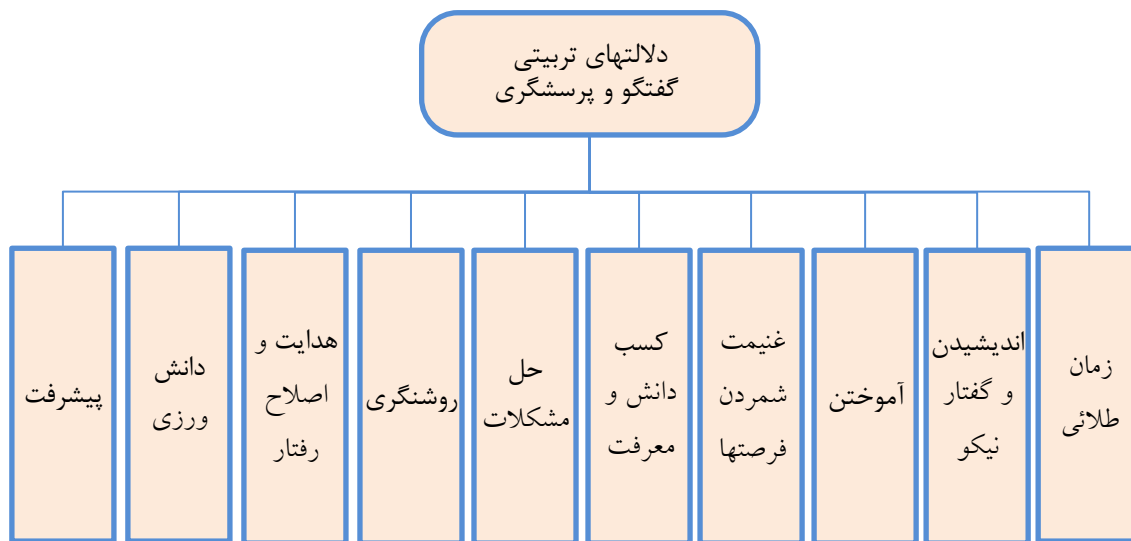
در ادامه مفاهیم هم دسته شده در یک مقوله واحد قرار می گیرند.

جدول ۴- طبقه بندی کدواژه ها و مفهوم سازی (مفاهیم هم دسته شده) دلالت‌های تربیتی گفتگو و پرسشگری بر اساس آموزه های امام علی(ع)

کدمفاهیم هم دسته (مقوله بدست آمده)	کد مفاهیم جایگزین شده
۱۰۴. پرسش کلید قفل دلها ۱۰۸. آموختن به وقت ندانستن ۱۰۹. داشتن ارزش با دانستن ۱۱۲. سوال کردن در خردسالی ۱۱۳. پاسخ در بزرگسالی ۱۱۴. سوال در سن مناسب	زمان طلائی
۹۸. اندیشه قبل از سخن ۱۰۴. پرسش کلید قفل دلها ۱۱۵. عدم گفتار ملال آور ۱۱۶. عدم گفتار نارسا ۱۱۷. گفتار شیرین ۱۳۰. گفتار نیک ۱۳۱. گفتار آراسته	اندیشیدن و گفتار نیکو

	۱۳۲. فهم گفتار توسط عام و خاص
آموختن	۹۴. پرسش برای یادگیری ۹۷. روش صحیح پرسیدن ۱۲۴. پرسیدن برای فهمیدن
غنیمت شمردن فرصت ها	۹۲. پرسش به موقع ۹۳. از دست دادن فرصتها ۱۱۸. سخن طولانی آفت زبان ۱۱۹. سخن مختصر و مفید
کسب دانش و معرفت	۶۸. شناخت خطاها ۷۳. انتخاب شدن ۸۱. سوال کردن برای دانستن ۹۲. پرسش به موقع ۱۰۶. پرسش و دانایی ۱۲۴. پرسیدن برای فهمیدن ۱۲۵. کسب معرفت
حل مشکلات	۸۳. داروی مشکلات سخن درست ۱۲۸. پرسش کلید مشکلات ۱۰۴. پرسش کلید قفل دلها
روشنگری	۷۱. آگاه ساختن ۷۲. روشن نمودن ۱۰۵. روشنگری و آگاهی
هدایت و اصلاح رفتار	۶۸. شناخت خطاها ۱۲۲. اهمیت گفتار
دانش ورزی	۷۹. دانایی پس از پرسش درست ۸۰. پرسش برای دانایی ۸۱. سوال کردن برای دانستن ۱۰۶. پرسش و دانایی ۱۰۷. دانش ورزی
پیشرفت	۸۷. پیشرفت و شناخت

نتایج حاصل از تحلیل دلالت های تربیتی گفتگو و پرسشگری بر اساس آموزه های امام علی(ع) شامل ۱۰ بعد: زمان تلائی، اندیشیدن و گفتار نیکو، غنیمت شمردن فرصت ها، کسب دانش و معرفت، حل مشکلات، روشن گری، هدایت و اصلاح رفتار، دانش ورزی و پیشرفت است و اندیشیدن و گفتار نیکو بیشترین کد را به خود اختصاص داده است.



شکل ۲- دلالت‌های تربیتی گفتگو و پرسش‌گری بر اساس آموزه‌های امام علی(ع)

## بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد مقوله‌های اصلی حاصل از تحلیل مراحل گفتگو و پرسش‌گری نیکو پرسیدن، فهم جویی، ابهام زدایی، استنتاج (استدلال)، استفهام (برهان)، استقبال از پرسش، گفتگوی طرفین است. روش گفتگو و مذاکره علمی که در روایات امام علی(ع) به آن تأکید شده است و آن را موجب بسته شدن نطفه اندیشه‌های جدید و صیقل عقول دانسته است؛ سطوح و مراتب مختلف دارد، زیرا صاحب عقل سلیم همواره از راه گفتگو و مذاکره و مشورت، عقول دیگران را بر عقل خود ضمیمه میکند و موجب شکوفایی و خلاقیت آن می‌شود؛ یکی از مراحل گفتگو و پرسش‌گری نیکو پرسیدن است. امام علی(ع) می‌فرماید: البلاغه ما سهل علی المنطق و خف علی الفطنه. سخن رسا آن است که باسانی بر زبان آید و بسادگی فهمیده شود. (غررالحکم، ص ۱۱۱) با توجه به این مورد آسان‌گویی، رسایی کلام، سخن گفتن در حد فهم شنونده دارای اهمیت است همچنین امام علی (علیه السلام): من أحسن السؤال علم، من علم أحسن السؤال. هر که خوب سؤال کند، دانا شود؛ هر که دانا باشد، خوب سؤال کند. (میزان الحکمه، ۸۲۴۱) و همه اینها از موارد پرسش نیکو می‌باشد که باید به آن توجه نمود. در زمینه فهم جویی حضرت علی در برخی موارد می‌فرماید: یادآوری به زبیر در جریان جنگ جمل ای زبیر تو را به خدا قسم می‌دهم مگر تو خود نشنیدی که رسول خدا(ص) فرموده که: تو با علی جنگ خواهی کرد در حالی که نسبت به او ظالم و ستمکاری؟ گفت: آری... امام فرمود: پس چرا در این معرکه حاضر شدی؟ گفت: برای اصلاح مردم. ... و زبیر از جنگ بازگشت. (الاحتجاج، ص ۳۴۶) همچنین در زمینه ابهام زدایی در پاسخ به سوال در خصوص قضا و قدر حضرت فرمودند: شاید منظور تو اشاره به قضای حتمی و قدر قطعی و لازم است؟! (الاحتجاج، ص ۴۵۲) در باب استنتاج (استدلال) آمده است و من وصیة له (علیه السلام) لعبدالله بن العباس لما بعثه للاحتجاج علی الخوارج: لَا تُخَاصِمُهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ... وَ لَكِنْ حَاجِبُهُمْ بِالسَّنَةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيصًا. نامه به عبد الله بن عباس آن هنگام که او را در سال ۳۸ هجری برای گفتگو با خوارج فرستاد. به قرآن با خوارج به جدل می‌پرداز، زیرا قرآن دارای دیدگاه کلی بوده، و تفسیرهای گوناگونی دارد، تو چیزی می‌گویی، و آنها چیز دیگر، لیکن با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنان به بحث و گفتگو می‌پرداز، که در برابر آن راهی جز پذیرش ندارند. «نهج البلاغه، نامه ۷۷) همچنین در رد حدیث جعلی که خداوند منع می‌کند از اینکه نبوت را با خلافت را در ما اهل بیت جمع نماید و بطلان شهادت آنان که خلافت را غصب کردند به گفتار پیامبر(ص) در غدیر خم اشاره کردند که: «هر که من

از خودش به او برترم علی نیز از نفس او به خودش برتر است» و فرمودند: پس چگونه می شود کسانی که من از ایشان برترم بر من امیر و حاکم باشند؟.. (الاحتجاج، ص ۳۱۳-۳۱۴) و در زمینه استفهام (برهان) یادآوری به زیبر در جریان جنگ جمل ای زیبر تو را به خدا قسم می دهم مگر تو خود نشنیدی که رسول خدا(ص) فرموده که: تو با علی جنگ خواهی کرد در حالی که نسبت به او ظالم و ستمکاری؟ گفت: آری... امام فرمود: پس چرا در این معرکه حاضر شدی؟ گفت: برای اصلاح مردم. ... و زیبر از جنگ بازگشت. (الاحتجاج، ص ۳۴۶) همچنین ای جماعت مهاجرین و انصار و کسانی که سخن من را می شنوید! آیا شما پیروی مرا بر خود واجب نساخدید؟ آیا از روی میل و رغبت با من بیعت نکردید؟... پس چرا.. اکنون بیعت مرا می شکنند و پایداری در بیعت خود نمی کنند؟ (الاحتجاج، ص ۳۷۴) که در این موارد به تفهیم با پرسش، پرسش و پاسخ و پرسش برای فهماندن اشاره دارد. علاوه بر این یکی از مراحل دیگر به استقبال پرسش رفتن است، و در سیره قولی و عملی حضرت به کرات مشاهده می شود: مشروح ترین سخنان امام علیه السلام در این باره در نهج البلاغه، در خطبه شقشیه به چشم می خورد. بر پایه سخن برخی از شارحان نهج البلاغه، (هاشمی، ۱۳۸۸، ص ۳۲) ابن عباس می گوید: روزی از مساله خلافت نزد حضرت پرسش کردم، ایشان نیز در جواب با استقبال ازین پرسش ضمنی به تفصیل به نقد عملکرد خلفا پرداخت. (نهج البلاغه، خطبه ۳) مثالی که برای به استقبال پرسش رفتن، و در سیره عملی حضرت مشاهده می شود: استقبال از پرسش در کشاکش جنگ صفین مطرح شده است، امام علی(ع) در پاسخ با استقبال از این پرسش، در ابتدا با خطاب کردن وی به عنوان برادر بنی اسدی، به نوعی وی را مورد نوازش و احترام قرار داده و در واقع بر کرامتی که قرآن (الاسراء/۷۰) برای انسان ها قائل است، تأکید داشت، سپس تصریح می نماید که تو حق پرسیدن داری و در واقع این حق را برای هر فرد و شهروندی محفوظ می داند، این برداشت به روشنی از کلام حضرت به دست می آید، چرا که وی را برخوردار از دو حق جداگانه خویشاوندی و پرسشگری می داند. (نهج البلاغه، خطبه ۱۶۲) و نهایتاً مرحله دیگر گفتگوی طرفین می باشد که حضرت علی می فرمایند: و من وصیة له (علیه السلام) لعبدالله بن العباس لما بعثه للاحتجاج علی الخوارج: لَا تُخَاصِمُهُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّ الْقُرْآنَ حَمَلٌ ذُو وُجُوهِ تَقُولُ وَ يَقُولُونَ... وَ لَكِنْ حَاجِجُهُمْ بِالسُّنَّةِ فَإِنَّهُمْ لَنْ يَجِدُوا عَنْهَا مَحِيسًا. نامه به عبدالله بن عباس آن هنگام که او را در سال ۳۸ هجری برای گفتگو با خوارج فرستاد. به قرآن با خوارج به جدل مپرداز، زیرا قرآن دارای دیدگاه کلی بوده، و تفسیرهای گوناگونی دارد، تو چیزی می گویی، و آنها چیز دیگر، لیکن با سنت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با آنان به بحث و گفتگو بپرداز، که در برابر آن راهی جز پذیرش ندارند.» (نهج البلاغه، نامه ۷۷) و أَكثَرُ مَدَارِسَ الْعُلَمَاءِ وَ مَنَاقِشَةَ الْحُكَمَاءِ فِي تَثْبِيتِ مَا صَلَحَ عَلَيْهِ أَمْرٌ بِلَادِكَ وَ إِقَامِهِ مَا اسْتَقَامَ بِهِ النَّاسُ قَبْلَكَ. و با دانشمندان فراوان گفتگو کن و با حکیمان فراوان سخن در میان نه، در آنچه کار شهرهایت را استوار دارد و نظمی را که مردم پیش از تو بر آن بوده اند برقرار. (نهج البلاغه، نامه ۵۳) با توجه به مباحث مطرح شده می توان گفت اسلام به موضوع گفتگو به عنوان ابزاری مناسب برای برقراری ارتباط بین فرهنگها و ادیان توجه ویژه ای دارد.

نتایج نشان داد مقوله های اصلی حاصل از تحلیل دلالت های تربیتی گفتگو و پرسش گری بر اساس آموزه های امام علی(ع) زمان طلایی، اندیشیدن و گفتار نیکو، غنیمت شمردن فرصت ها، کسب دانش و معرفت، حل مشکلات، روشنگری، هدایت و اصلاح رفتار، دانش ورزی و پیشرفت است. با توجه به نتایج اندیشیدن و گفتار نیکو بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. با توجه به نتایج به دست آمده و اهمیت استلزامات تربیتی اندیشیدن و گفتار نیکو بیشترین فراوانی را به خود اختصاص داده است. با توجه به اهمیت موضوع در آیات مختلف قرآن کریم، خداوند متعال با پیامبران، ملائکه، مؤمنان، عموم مردم و حتی با کفار و مشرکان، ادب در کلام را کاملاً رعایت می کند. به مؤمنان نیز دستور می دهد با دیگران زیبا سخن گفته و از به زبان آوردن گفتار زشت و بی ادبانه (حتی در مقابل کافران و ابلهان) دوری گزینند: «با مردم (به زبان) خوش سخن بگویند» (البقره/۸۳). و نیز می فرماید: «و به بندگانم بگو: آنچه را که بهتر است بگویند، که شیطان میانشان را به هم می زند، زیرا شیطان همواره برای انسان دشمنی



اشکار است.» (الاسراء/۵۳) در این زمینه حضرت علی(ع) می فرمایند: علیک بالفکر، فانه رشد من الضلال و مصلح الاعمال. بر تو باد به اندیشیدن، زیرا که آن، هدایت کننده از گمراهی و اصلاح کننده اعمال (از تباهی) است. (غررالحکم، ص ۲۲۲)

همچنین حضرت علی(ع) می فرمایند: إِنَّ لِسَانَ الْمُؤْمِنِ مِنْ وَرَاءِ قَلْبِهِ وَإِنَّ قَلْبَ الْمُنَافِقِ مِنْ وَرَاءِ لِسَانِهِ، لِأَنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَكَلَّمَ بِكَلَامٍ تَدَبَّرَهُ فِي نَفْسِهِ، فَإِنْ كَانَ خَيْرًا أَبَدَاهُ وَإِنْ كَانَ شَرًّا وَاوَرَاهُ وَإِنَّ الْمُنَافِقَ يَتَكَلَّمُ بِمَا آتَى عَلَى لِسَانِهِ لَا يَدْرِي مَاذَا لَهُ وَمَاذَا عَلَيْهِ؛ زَبَانُ مُؤْمِنٍ، فِي وَرَاءِ دَلِّ أَوْسْتٍ وَدَلِّ مُنَافِقٍ، فِي وَرَاءِ زَبَانِ أَوْ، زَبَانُ مُؤْمِنٍ هَرَّاهُ بَخَوَاهِدِ سَخْنِي بَغْوَيْدِ، ابْتَدَأَ دَرَبَارَهْ أَنْ مِيْ اَنْدِيْشِدْ، اِگَرِ خَوْبُ بُوْدِ اِظْهَارِشِ مِيْ كَنْدُ وَ اِگَرِ بَدِ بُوْدِ اَنْ رَا پَنْهَانِ مِيْ دَارْدُ. اَمَّا مُنَافِقُ هَرِ چِهْ بِهْ زَبَانِشِ اَیْدِ مِيْ گُوَیْدِ، بِيْ اَنْ كِهْ بَدَانْدِ چِهْ سَخْنِيْ بِهْ سُوْدِ اَوْ وَ چِهْ سَخْنِيْ بِهْ زَبَانِ اَوْسْتِ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۷۶) در این حدیث حضرت علی(ع) به اندیشه قبل از سخن، ابراز سخن نیکو اشاره دارند. همچنین امام علی علیه السلام: أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَ فَهْمَةُ الْخَاصِّ وَ الْعَامِّ. امام علی علیه السلام: بهترین گفتار آن است که ترتیب نیک، بدان آراستگی ببخشد و خاص و عام آن را بفهمند (غررالحکم، ج ۳۳۰۴) در این حدیث به گفتار نیک و آراسته تأکید دارند. علاوه بر موارد ذکر شده یکی دیگر از استلزامات تربیتی در زمان طلایی است. حضرت علی(ع) می فرمایند: أَلَا لَا يَسْتَحْيِيَنَّ مَنْ لَا يَعْلَمُ أَنْ يَتَعَلَّمَ فَإِنَّ قِيَمَةَ كُلِّ امْرِئٍ مَا يَعْلَمُ؛ آگاه باشید که آن که نمی داند، نباید از آموختن شرم کند؛ زیرا ارزش هر کس به چیزی است که می داند. (غررالحکم، ۲۷۸۷) و این مطلب نشان دهنده آموختن به وقت ندانستن است. همچنین می فرمایند مَنْ سَأَلَ فِي صِغَرِهِ أَجَابَ فِي كِبَرِهِ؛ هر کس در خردسالی سؤال کند، در بزرگی سالی اش پاسخ می دهد. (غررالحکم، ۸۲۷۳) این نشان دهنده اهمیت سوال کردن در خردسالی و سوال پرسیدن در سن مناسب است که همگی از زمان طلایی در این زمینه حکایت دارد. همچنین حضرت علی(ع) می فرمایند: سلونی قبل ان تفقدونی. از من بپرسید قبل از اینکه مرا از دست بدهید. (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹) در این خطبه باید به این مطلب توجه نمود که نباید فرصت ها را از دست داد و باید فرصت ها را غنیمت شمرد. علاوه بر اینها به پرسش به عنوان کلید حل مشکلات و کلید قفل دل ها اشاره شده و داروی مشکلات را سخن درست بیان نموده است. حضرت علی(ع) می فرمایند: القلوب أقفال مفتاحها. امام علی علیه السلام: دلها، قفل هایی هستند که کلیدهای آنها پرسیدن است (میزان الحکمه، ۸۲۳۷) قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ كَلَامَ الْحُكَمَاءِ إِذَا كَانَ صَوَابًا كَانَ دَوَاءً، وَإِذَا كَانَ خَطَأً كَانَ دَاءً. سخن حکما و دانشمندان اگر درست باشد، داروی (شفا بخش) است. (نهج البلاغه، حکمت ۲۶۵). علاوه بر موارد ذکر شده به حضرت علی می فرمایند: الإمام علی (علیه السلام): من أحسن السؤال علم، من علم أحسن السؤال. هر که خوب سؤال کند، دانا شود. (میزان الحکمه، ۸۲۴۱) که این حدیث بیانگر دانش ورزی است و نشان دهنده دانایی پس از پرسش درست است. همچنین وقتی می پرسی، مفقوهانه بپرس، نه متعنتانه. برای فهمیدن بپرس، نه برای آزار و ایذاء. (غررالحکم، ۴۱۴۷) که نشان دهنده پرسیدن برای فهمیدن و کسب معرفت است.

## جمع بندی

نقش پرسش در پرورش تفکر بسیار واضح است، پرسش کردن و پرسش داشتن به ویژه از خود، دروازه ورود به جریان تفکر است. کسی که پرسش ندارد و پرسش نمی کند دلیلی هم برای فکر کردن ندارد. همین پرسش های مداوم و تلاش برای یافتن پاسخ های هرچند موقتی است که فکر انسان را بارور می کند. جملات شریف کتاب نهج البلاغه، انسان را به سؤال کردن اموری که نمی دانیم تحریک می نماید و انگیزه و اشتیاق برای سؤال کردن را در فرد ایجاد می کند و این نکته را یادآوری می کند؛ با توجه به نامه امیرالمؤمنین به امام حسن «علیه السلام»، نامه ۳۱ نهج البلاغه: «که فرزندانم، وقتی حقیقتی برای تو تاریک جلوه کرد، حقیقت را متهم مکن و آن را منحرف مساز، بلکه آن را به جهل خود مستند نما.» در حقیقت این مطلب توصیه ای به تمامی جوانان در باب تحقیق و تفحص برای دانستن فلسفه و

تحلیل دلالت های تربیتی گفت و گو و پرسش گری بر اساس آثار روایی منتخب امام علی(ع)

حکمت امور دینی و... می باشد. در میان سخنان امیرالمومنین در نهج البلاغه به اینکه چرا باید به دنبال سؤال رفت و انگیزه سؤال اشاره و توصیه هایی نمودند: «اینکه ای بندگان خدا به جهالت خود تکیه نکنید، پرسیدن چیزی به قصد فهمیدن باشد، نه جهت آزار دادن دیگری و به چالش کشیدن جلسه...» (نهج البلاغه، خطبه ۱۰۵) با توجه به مطالب مطرح شده و نتایج به دست آمده می توان گفت: انسان تا در زندگی با پرسش روبه رو نشود، هرگز در پی تلاش و حرکت برنخواهد آمد و اصولاً تمام توفیقات بشر در کشف رازها و قوانین این جهان در عرصه همه دانش ها، مدیون پرسش هایی بوده که در مسیر حیات در طول تاریخ فراروی او قرار گرفته است و همیشه کسانی بر تارک اختراعات و دانش ها ایستاده بودند که در جست و جوی حقایق علمی با پایداری و صبر، تلاش کرده اند. و در این میان انسان مورد نظر امام علی(ع) هم، یک موجود پرسش گر و جست و جوگر حقیقت است.

## پیشنهادات

با توجه به نتایج به دست آمده در زمینه مراحل و دلالت های تربیتی گفتگو و پرسش گری در آموزه های امام علی(ع) پیشنهاد می شود:

- متولیان تعلیم و تربیت شرایط لازم برای فراگیری مراحل گفتگو و پرسش گری را برای همه دانش آموزان فراهم نموده تا در کنار علم آموزی توجه و تمرکز بر پرسش گری و گفتگوی نیکو داشته باشند تا بدین وسیله هدف نهایی تربیت محقق شود.

- از نتایج به دست آمده در زمینه های تعلیم و تربیت دانش آموزان در مدارس استفاده کنند و آموزش ها به صورت پراکنده نباشد بلکه به صورت ساختارمند از همان ابتدا برای دانش آموزان ارائه گردد تا بتوانند در مراحل بالاتر تحصیل به نحو احسن از نکات مثبت گفتگو و پرسش گری در زندگی و تحصیل و جامعه استفاده نمایند.

به پژوهشگران پیشنهاد می شود: کلیه کتب و آثار منسوب به حضرت علی(ع) را در زمینه های دیگر مانند تفکر و خلاقیت بررسی نمایند. همچنین در پژوهش های بعدی مسیر این پژوهش را دنبال کرده و در نهایت به تدوین نظریه اسلامی در زمینه گفتگوی تربیتی بپردازند.

## منابع

-قرآن کریم

-ابراهیمی، نامدار؛ مهرمحمدی، محمود (۱۳۹۳). پرسشگری در اسلام: در جستجوی نظریه ای برای تربیت، کنگره بین المللی فرهنگ و اندیشه دینی، قم،، <https://civilica.com/doc/301344>.

-پایا، علی (۱۳۸۱). "گفت وگو" در جهان واقعی: کوششی واهی یا ضرورتی اجتنابناپذیر؟ تهران، ناشر: طرح نو.

-تمیمی الآمدی، عبدالواحد (۱۴۱۳ق). مُعْجَمُ الْفَافِظِ غُرَرِ الْحِكْمِ وَ دُرَرِ الْكَلِمِ، چاپ اول، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات اسلامی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.

-تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۹۵). غرر الحکم و درر الکلام، ناشر، موسسه فرهنگی دار الحدیث، نوبت چاپ ۸.

-حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳). تحف العقول، تهران: انتشارات علمیه الاسلامیه.

- دشتی، محمد(۱۳۹۵). نهج البلاغه حضرت امیرالمومنین علی(ع)، ناشر، الهادی چاپ ۱۲.
- دهخدا، علی اکبر(۱۳۹۹). لغت نامه، ج ۳۳، چاپ اول، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- دهقان سرخ آبادی، محدثه؛ انسی، کرامتی (۱۳۹۶). روش های آموزشی در سیره رضوی و دلالت های آن برای تربیت عقلانی در دانشگاه فرهنگیان، فرهنگ رضوی، سال پنجم، شماره ۱۷.
- رضوانی، حمیدرضا (۱۳۹۲). روش تحقیق در مدیریت، مؤسسه کتاب مهربان نشر.
- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۹۸). فلسفه آموزش و پرورش. ناشر: شرکت چاپ و نشر بین الملل (وابسته به سازمان تبلیغات اسلامی)
- طباطبایی، محمد حسین (۱۳۶۲). تفسیر المیزان، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۳۷۱). الاحتجاج، ترجمه بهراد جعفری، تهران: نشر اسلامیه.
- علی اکبری، راضیه(۱۳۸۴). "اشاعه منطق و گفتگو میان مسلمانان با معیارهای قرآنی"، مجموعه مقالات هجدهمین کنفرانس وحدت اسلامی، چاپ اول، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نشر معاونت فرهنگی، تهران، ۱۳۸۴، ص ۵.
- غزالی، ابوحامد محمد (۱۳۹۰). احیاءالعلوم، مصر، مترجم: مویدالدین محمد خوارزمی. مکتبه مصطفی البابی الحلبي، ۱۳۹۰ق.
- فاضلی مهسا(۱۳۸۵). گفت‌وگو در قرآن. بشارت، شماره ۵۵.
- فضل الله، محمد حسین (۱۳۷۹). ضرورت گفت و گوی ادیان و مذاهب، قم، هفت آسمان، ش ۷.
- کریمی، عبدالعظیم (۱۳۸۲). سازه های تربیت و دموکراسی: عقلانیت، مدنیت، و معنویت، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.
- کاظمی؛ بنی نعمه، صباح(۱۳۹۳). آداب گفتگوی انسان‌ها با یکدیگر از منظر قرآن و روایات. شورای عالی حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت حوضه های علمیه خواهران(آران و بیدگل).
- گنجی، کامران؛ یعقوبی، ابوالقاسم؛ لطفعلی، رضا(۱۳۹۲). اثربخشی آموزش مهارتهای پرسشگری به معلمان بر تفکر انتقادی دانش آموزان متوسطه. فصلنامه روانشناسی تربیتی، ۹، (۲۷). ۱-۲۹.
- لیثی واسطی، علی بن محمد (۱۳۷۷). عیون الحکم و المواعظ، محقق: حسنی بیرجندی، قم، موسسه علمی فرهنگی دار الحدیث.

تحلیل دلالت های تربیتی گفت و گو و پرسش گری بر اساس آثار روایی منتخب امام علی(ع)

-محمّدی ری شهری، محمد (۱۳۹۳). میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، چاپ سوم، قم، سازمان چاپ و نشر دار الحدیث.

-مطهری، مرتضی (۱۳۹۸). سیری در نهج البلاغه، قم، صدرا.

-نیازی، شهریار؛ گودرزی، طاهره (۱۳۹۶). پرسشگری خداوند در قرآن کریم (مطالعه موردی سوره یس)، آموزه های قرآنی، بهار تابستان، شماره ۲۵.

-هاشمی سید حسین (۱۳۸۸). چیستی و اهداف تربیت. پژوهش های قرآنی، شماره ۵۹ و ۶۰، ویژه نامه قرآن و فلسفه تربیت.

-گرامی، سید محمدهادی (۱۳۹۲). روش های زمینه ساز تربیتی در سیره معصومین(ع). بصیرت و تربیت اسلامی. صص ۱۰۴-۶۷.

-Chin, C. , & Osborne, J. (2008). Students' questions: a potential resource for teaching and learning science, *Studies in Science Education*, 44(1), 1–39.

analyzed the educational implications of dialogue and questioning based on the selected narrative works of Imam Ali ibn Abi Talib

Questioning and having questions, especially about yourself, is the gateway to the flow of thinking. A person who does not have questions and does not ask questions has no reason to think. Based on this, the present research has analyzed the educational implications of dialogue and questioning based on the selected narrative works of Imam Ali ibn Abi Talib. The present study was applied in terms of purpose and had a descriptive-analytical type in terms of method. The research scope consisted of books, namely Nahj al-Balagha, Tuhaf al-Uqul, Mizan al-Hikmah, and Ghurar Al-Hikam which were about conversation and questioning, and they were sampled by a purposive method. The data collection tool included the researcher-made short papers. Data analysis was performed through thematic coding consisting of three stages (open, axial, and selective coding) and according to the deductive classification system. The findings showed that the analysis of dialogue and questioning stages includes 7 dimensions: using appropriate sentences, accepting questions, seeking understanding (understanding), dialogue between the parties, disambiguation, inference (argument), questioning (argument) and educational implications of dialogue and questioning. According to the teachings of Imam Ali (AS), it includes 10 dimensions: golden time, good thinking and speech, seizing opportunities, acquiring knowledge, solving problems, enlightening, guiding and correcting behavior, gaining knowledge and progress. The important thing to think about is that the role of questioning is so important that it can lead a person to the destination and for a person who does not have a question, there is no knowledge.

**Keywords:** Ali ibn Abi Talib, Education ,Conversation, Questioning.